

ماهیت و مراتب بهکتی در اندیشه چیتنیه^۱

مهدیه امین زاده گوهری

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ابوالفضل محمودی^۲

دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

چیتنیه (۱۵۳۴-۱۴۸۵) از شخصیت‌های برجسته طریقت بهکتی ویشنویی است. برخی ویشنویی‌ها او را تجسد کریشنه می‌شمارند. بهکتی به طریقت عشق و اخلاص گفته می‌شود و به اعتقاد پیروان این طریقت، تنها با بهکتی می‌توان به شناخت پروردگار دست پیدا کرد. مراتب عشق از دیدگاه چیتنیه، در پنج دسته شائته‌رتی، داسیه‌رتی و ساکهی‌رتی و واتسالیه‌رتی و مدهوریه‌رتی قرار می‌گیرد، که به ترتیب عشق آرام و لطیف، عشق خدمتگذارانه، عشق همراه با احترام، عشق پدران و مادران و عشق نکاحی تفسیر می‌شوند. در این نوشتار تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که ماهیت این عشق چیست و روش رسیدن به والاترین درجات بهکتی از منظر چیتنیه چگونه است؟

کلیدواژه‌ها

چیتنیه، بهکتی، کریشنه، عشق

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): mahmoodi@tpf-iau.ir

مقدمه

در عرفان هندو، همچون سایر سنت‌های عرفانی راه‌هایی برای رهایی^۳ تبیین شده‌اند، این راه‌ها شامل طریق عمل^۴ (کرمه مارگه)، طریق معرفت^۵ (جنانه مارگه) و طریق عشق^۶ (بهکتی مارگه) هستند. اما در قرون اخیر شاهد تغییر تاکید از طریق معرفت به طریق عشق^۷ در ادراک خداوند هستیم.^۸ طریق عشق یا بهکتی مارگه به پرستش عاشقانه و اخلاص محض نسبت به پروردگار اطلاق می‌شود و در متون هندویی عمل به این طریق بیش از عمل به دو طریق دیگر توصیه شده است. طریق بهکتی تا عصر حاضر نیز منشأ الهام و شکل دهنده بزرگترین طریقت آیین هندویی بوده است. طریق بهکتی تا به امروز ادوار گوناگونی را پشت سر گذاشته است که رگه‌ها و نشانه‌های اولیه آن را می‌توان در وداها و اوپنیشدها یافت. در ریگ‌ودا/ ویشنو و شیوا از خدایان اصلی به‌شمار می‌روند که برای اولین بار مورد توجه قرار می‌گیرند. معمولاً در طریقت بهکتی ویشنویی متعلق اصلی عشق، کریشنه است که خود از تنزلات (اوتار) ویشنو است و همانطور که پیشتر بیان شد. کریشنه جلوه‌ای مهم و محبوب در اندیشه هندویی و جلوه پروردگار در مقام معشوقیت اوست، گویا هرکجا که سخن از معشوق واقع شدن پروردگار به میان آورده می‌شود، مراد کریشنه است. بهکتی اولیه یا کلاسیک مبتنی بر همین متون مقدس هندویی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها،

^۳ Moksha: رهایی و نجات، یکی دیگر از اهدافی که هر هندو می‌تواند در زندگی در پیش گیرد و مهم‌ترین آن‌ها رهایی، غایت سلوک و مجاهدت‌های تقریباً همه عالمان، عارفان و مکتب‌های هندو و حتی هندی است، هر چند تفسیر آن‌ها از این هدف و نیز شیوه رسیدن به آن در میان آن‌ها یکسان نیست. آنچه تقریباً در همه این تفسیرها مشترک است رها شدن از چرخه سنساره یا بازایی‌های پیاپی و رنج‌ها و مصیبت‌های ناشی از آن است.

^۴ Karma marga

^۵ Jnana marga

^۶ Bhakti marga

^۷ اخلاص محض و عبادت عاشقانه پروردگار

^۸ مجتبائی، فتح‌الله، پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی، ترجمه ابوالفضل محمودی، موسسه

پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹.

بهگودگیتا است. بهکتی میانه با جنبش آوارهای ویشنوی و ناینمارهای شیوایی پیوند خورده است. ناینمارهای شیوایی و آوارهای ویشنوی در بین قرون ۲ تا ۹ میلادی در هند ظهور کردند و از این دو گروه اشعار عاشقانه‌ای در مورد عشق و دلدادگی فراوان نسبت به پروردگار باقی مانده است. اینان با سر و روی آشفته مردم را در هر کوی و برزن به عشق الهی دعوت می‌کرده‌اند. این نوع از اندیشهٔ بهکتی در قالبی منظم‌تر و به شکل ایده‌های مکتب و دانته ظهور پیدا کرد و در نتیجه مکاتبی را به وجود آورد که همگی متأثر از جریان بهکتی بودند. این مکاتب که از آن‌ها به عنوان مکاتب بهکتی میانه یاد می‌شود شامل: مکتب شیوایی کشمیری، مکتب لینگایت^{۱۰} یا ویره‌شیوه (شیوایی‌های قهرمان) و مکتب شیوه‌سیدانته^{۱۱} (بالاترین هدف شیوه‌ها) هستند که همگی این مکاتب جزو مکاتب شیوایی جنوب هند به شمار می‌آیند. در شمال هند نیز اندیشهٔ بهکتی به دو جریان سگونه بهکتی^{۱۲} و نیرگونه بهکتی^{۱۳} تقسیم می‌شود که بیشتر حکیمان شمال هند از طرفداران سگونه بهکتی - اند. معروف‌ترین حکیمان این تفکر کبیر^{۱۴}، نانک^{۱۵}، میرابای^{۱۶} و رایداس^{۱۷} و دادو^{۱۸} و تولیداس^{۱۹} هستند. ^{۲۰} از جمله این شخصیت‌های مهم، چیتنیه^{۲۱} است ^{۲۲}. از آن‌جا که بهکتی

^۹ Alvars واژه‌ای تمیلی نزدیک به این معنا " کسانی که با تسلیم خود به خداوند استادان جهان شده‌اند" گروهی دوازده نفره از قدیس شاعران مجذوب خداوند در قرن ششم تا نهم از جنوب هند که از آنها اشعار عاشقانه در توصیف خداوند به ویژه در قالب ویشنو و اوتاره اش کریشنه باقی مانده است.

^{۱۰} Lingayata

^{۱۱} Shiva sidhanta

^{۱۲} Saguna Bhakti بهکتی توصیف شونده همراه با صفات (تشبیهی)

^{۱۳} Nirguna Bhakti بهکتی توصیف نشدنی (تنزیهی)

^{۱۴} Kabir شاعر و قدیس برجسته هندی که گویا شاگرد راماننده بوده و از منادیان برجسته وحدت دیان بوده است

^{۱۵} Nank

^{۱۶} Mirabay شاعره و قدیسه ای از سنت بهکتی قرون پانزدهم و شانزدهم

^{۱۷} Raidas

^{۱۸} Dadu از قدیسین شمال هند و از پیروان طریقت بهکتی

^{۱۹} Tulidas شاعر و قدیسی از شمال هند و از پیروان و بهکته‌های رامه

یک جنبش اصلاح‌طلبانه به شمار می‌آورند، شرق شناسانی چون ویلسون^{۲۳}، چیتنییه را با لوتر^{۲۴} مقایسه کرده‌اند^{۲۵}. این نوشتار در پی آن است تا ضمن اشاره به اندیشه‌های چیتنییه به این پرسش پاسخ دهد که مراتب و طریق وصول به عشق پروردگار در اندیشه چیتنییه چگونه است؟

زندگی و آثار چیتنییه

چیتنییه (۱۵۳۴-۱۴۸۵) یا (نیمای)^{۲۶}، در نودویپ^{۲۷} در بنگال، روستای نادیا^{۲۸} از توابع مایاپور^{۲۹} متولد شد. سچی دوی^{۳۰}، مادر چیتنییه، بر این گمان بود که دانش موجب می‌شود که انسان گذرا بودن همه چیز را دریابد و در نتیجه به رهبانیت گرایش پیدا کند، بنابراین او را به مدرسه نفرستاد، تا مانع گرایش او به رهبانیت شود. اما پس از مدتی چنان خودرو و تربیت نایافته بار آمده بود که به مدرسه فرستاده شد. او دستور زبان سنسکریت و منطق را به طور کامل آموخت و در بیست سالگی خودش مدرسه‌ای تاسیس کرد^{۳۱}. در ۲۲ سالگی

^{۲۳} Bhattachatyaa. N., *Medieval Bhakti Movements in India*, New Delhi: Mushiram Publishets. (1999) pp365-366.

^{۲۴} Chaitanya (1534-1485) از شخصیت‌های برجسته طریقت بهکتی ویشنوی. برخی ویشنوی‌ها او را تجسد کریشنه می‌دانند.

^{۲۵} مجتبیائی، فتح‌الله، *پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی*، ترجمه ابوالفضل محمودی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۱۱۰.

^{۲۳} H.h.willson

^{۲۴} Martin luther king

^{۲۵} Prentiss, Karen Pechilis, *The Embodiment of Bhakli*, Oxford, Oxford University Press, 1999, pp.17-23.

^{۲۶} Nimai نام دیگر چی‌تنیه

^{۲۷} Navadip

^{۲۸} Nadia

^{۲۹} Mayapur

^{۳۰} Sachi Devi

^{۳۱} داسگوپتا، سورندراناته، *سیر تحول عرفان هندی*، مترجم ابوالفضل محمودی، نشر سمت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵.

زمانی که برای زیارت و انجام مراسم سالگرد مرگ پدر به گیا^{۳۲} رفته بود، دچار تحولات عمیقی شد، او مجذوب و مست پروردگار به شهر نودویپ بازگشت. خیلی زود، مریدانی از دور و نزدیک، پیرامونش را فراگرفتند و با او در عبادت دسته جمعی کِرتَنه^{۳۳} که متشکل از آوازهای جمعی و سرودهایی به نام و یاد پروردگار بود و اغلب با حرکات موزون و لی‌لا انجام می‌شد و غالباً به خلسه می‌انجامید، شرکت کردند.

لی‌لا^{۳۴} نامی ست که بر مراسم نمادینی که طی آن خداوند به عنوان عاشق با معشوق خود نرد عشق می‌بازد، اطلاق می‌شود و این رقص و ورزش معنوی تا بدان جا ادامه می‌یابد که هر دو برای ابد با هم یکی می‌شوند. این رقص عاشقانه در حرکات دوار خود یادآور نیرو و گرمایی است که جهان را به چرخش وادار می‌دارد^{۳۵}. در آیین بهکتی، این بازی عاشقانه از دو مرحله تشکیل می‌شود: ۱. لذت وصال که همراه با اندوه فراق است. ۲. این رقص عاشقانه وقتی پایان می‌یابد که جیوه به سعادت ابدی و نجات دست می‌یابد^{۳۶}. وجه امتیاز این شکل از عشق‌ورزی نسبت به پروردگار در ویشنوئیسم با دیگر فرقه‌های هندوئیسم آن است که از یک سو احساسات ژرف معنوی مردم را به روشی عاشقانه و درونگرایانه پاسخ می‌دهد و از سوی دیگر، پیروی از این شیوه، نه الزامات شعائر دینی را دارا است و نه وابسته بودن به طبقه اجتماعی خاص، بلکه تنها التزام به تفکر، حیات و عبادت عاشقانه را داراست. مراسم لی‌لا یادآور عشق‌بازی و رقص کریشنه با رادها^{۳۷} است.

^{۳۲} Gaya شهری در ایالت بیهار در شمال هند. یکی از هفت شهر مقدس که برای هندوها و بوداییان هر دو مقدس شمرده می‌شود.

^{۳۳} Kirtana

^{۳۴} Lyla در متون هندی به معنای رقص و ورزش است که اشاره به عشق‌ورزی بنده با پروردگار دارد. وقتی این عشق‌ورزی در قالب رقص ظهور پیدا می‌کند، در متون هندی به آن لی‌لا گفته می‌شود.

^{۳۵} Sarabhai, Mrinalini, *An affirmation of wholeness Krishna Ghaitanya, India International Centre*, 1986, pp. 146.

^{۳۶} Mukherjee, Prasenjit, *Indian Literature*, Vol.22, No.1, *Oria Literature* (January-February 1979), pp.113-121.

^{۳۷} رادها یا رادهیکا از مشهورترین هم‌بازیهای کریشنه در کودکی و از جمله دلدادگان دوره نوجوانی و جوانی او در بریندابن بود که بیشتر با عنوان گُپی‌ها یا دختران گاوچران شهرت دارند. مضمون عشق‌بازی لطیف و مهرآمیز میان رادها و کریشنه از جمله موضوعاتی است که در همه سطوح دین هندو از قلمرو مادی تا ساحت

چیتنیه در سال ۱۵۱۰ رسماً به عنوان یک قدیس شناخته شد و عنوان چیتنیه مقدس را دریافت کرد. تجربیات و تغییرات جسمی و روحی مکرر و طولانی مدت وی، در اثر عشق و اخلاص ناب نسبت به پروردگار، به تدریج عوارض خود را بر سلامت تن و جسم او گذاشتند و موجب تشنج و بیماری صرع در او شد. تاریخ دقیق و چرایی مرگ او نامعلوم است و افسانه‌ها و حکایات بی شماری در این مورد نقل شده است، که نقش‌ها و نگاره‌های آن حادثه بر دیوارهای برخی از معابد در هند به تصویر کشیده شده است.^{۳۸} اما بر اساس یک باور رایج به تعبیر داسگوپتا چی تنیه، "در غلیان شوق و اشتیاق الهی که او ناتوان از مهار کردنش بود، در جنوب به اقیانوس ژرف آبی جهید و برای همیشه از نظرگاه آدمیان گم شد. بدین سان قطره‌ای از عشق الهی که به سیمای انسان در آمده بود به اقیانوس ازلی و بیکران الهی که از آنجا بر زمین فرو ریخته بود، پیوست"^{۳۹}. چیتنیه نه یک فرقه سازماندهی شده را پایه‌گذاری کرد و نه چندان آثاری مکتوب از خود به یادگار گذاشت^{۴۰}، تنها اشعار و مناجات‌ها و نیایش‌هایی از او به جا مانده است که گویی در اوج عشق کریشنه سروده شده است.

مفهوم و معنای بهکتی

به باور چیتنیه طریق عمل (کرمه مارگه^{۴۱}) به تنهایی نمی‌تواند انسان را به رستگاری و یا رهایی برساند، طریق عبودیت عاشقانه (بهکتی مارگه) در این راه به طریق عمل و طریق

متعالی الهی نفوذ کرده است. آن نمایانگر بازی ازلی میان روح انسانی و خداوند به گونه ای است که تقریباً در همه سنتهای عرفان ادیان دیده می‌شود. در دین هندو بازی میان رادها و کریشنه بن مایه محوری ویشنوییهایی است که طریقت عشق یا بهکتی آنان احساس انسانی عشق تسلیم شدن به عشق که رادها نماد آن است و تسلیم شدن به خداوند در سیمای کریشنه را بر می‌انگیزد. (فرهنگ اعلام و اصطلاحات سیر تحول عرفان هندی ترجمه ابوالفضل محمودی نشر دانشگاه ادیان و مذاهب)

^{۳۸} Cunningham, John M, "Chaitanya", *Encyclopaedia Britannica*, John M.

Cunningham (ed), 2010, pp. 20-30.

^{۳۹} داسگوپتا، سورندراناته، سیر تحول عرفان هندی، مترجم ابوالفضل محمودی، ص ۱۱۷.

^{۴۰} به جز اشعار و نیایش های چی تنیه که در نسخه خطی "Siksastakam" ذکر شده اند.

^{۴۱} Karma در لغت به معنای عمل است و مراد از کرمه انجام مناسک و آداب ظاهری دینی است

معرفت (جنیانه مارگه^{۴۲}) یاری می‌رساند. از این رو، طریق عبودیت عاشقانه امری مستقل است و نیازی به طریق عمل و طریق معرفت ندارد. طریق معرفت نیز زمانی می‌تواند منجر به رستگاری گردد، که طریق عبودیت عاشقانه، حلقه‌ی اتصال این رابطه باشد. بنابراین طریق عبودیت عاشقانه یا همان بهکتی مارگه، تنها ابزار برای دستیابی به هدف والا یعنی عشق و اخلاص به پروردگار است. بهکتی حلقه‌ی اتصالی عاشقانه با کریشنه است که از تمامی تمایلات به غیر از نیل به عشق پروردگار مبرا می‌باشد. بهکتی جامع معرفت و عمل است و به سه مرحله‌ی: سدهنه بهکتی، بهاوه بهکتی و پریمه بهکتی^{۴۳} تقسیم می‌گردد. سدهنه بهکتی مرحله‌ای است که هنوز احساس عشق و اخلاص نسبت به محبوب یا کریشنه، در جان بهکته به وجود نیامده است. در بهاوه بهکتی، این احساسات بیدار می‌شوند، و در پریمه بهکتی احساسات کاملاً به مرحله‌ی عمل و ظهور خواهند رسید. پرورش بهکتی به ۹ شیوه امکانپذیر است: ۱- شنیدن نام مقدس پروردگار و اسماء و صفاتش، و انجام لی لا. ۲- سخن گفتن و آواز خواندن در وصف پروردگار^{۴۴} ۳- مراقبه و ذکر دائم. ۴- خدمت به کریشنه همراه با عشق و اخلاص. ۵- عبادت کردن. ۶- تعظیم و کرنش در برابر پروردگار. ۷- انجام اعمال مورد پسند و توصیه شده‌ی کریشنه. ۸- پرورش احساس دوستی و نزدیکی با کریشنه. ۹- تسلیم کردن کامل خود و سرسپردگی به پروردگار و البته از تمامی این مراحل نه گانه، کِرتان یا آوازخوانی و رقص همراه با ذکر نام پروردگار، بسیار پسندیده‌تر است.^{۴۵}

آثار عشق و فوائد ذکر نام معشوق

اولین نیایش چیتنیه در کتاب هشت نیایش، نشان دهنده تاثیرگذاری و اهمیتی است که این نیایش‌ها در بر دارند. چیتنیه در اولین نیایش، ویژگی منحصر به فرد ذکر نام مقدس

^{۴۲} Jnana در لغت به معنای آگاهی است که گستره معنایی متنوعی دارد. شناخت ثر معنای عام و حکمت

معنوی و اشراق و شناخت حقیقت غایی و دریافت متعالی همانی آتمن و برهمن جزو این معانی است

^{۴۳} sadhana-bhakti, bhava-bhakti, and prema-bhakti

^{۴۴} Kirtan

^{۴۵} Śrīla Thakura Bhaktivinoda, *SRI CHAITANYA MAHAPRABHU HIS LIFE AND PRECEPTS*, Gaudiya Press, 1987, pp.60-70.

پروردگار را خاطر نشان کرده است و به توضیح تاثیرات آن (در صورتی که به درستی خوانده شود)، پرداخته است. او از لوتوس سفید به عنوان عشق پروردگار سخن گفته است و راه‌های تقویت آن را که همانند نور مهتاب بر روی بخت و اقبال آدمی می‌تابد، بیان کرده است.^{۴۶}

افتخار و شکوه از آن کریشنه سنکرتنه^{۴۷} است.
 نام مقدس او همچون پاک نمودن آینه، ذهن و قلب را پاک خواهد نمود.
 شعله‌های سوزان تعلق به زندگی دنیوی را خاموش خواهد کرد
 نور مهتاب را بر بخت و اقبال خواهد تاباند و مکمل دانش خواهد بود
 و اقیانوس بهجت و سعادت را طراوت خواهد بخشید
 و در هر گامی که به سوی پروردگار خواهید برداشت، به شما شراب^{۴۸} خواهد چشانند
 و نیروی کمال و تعالی را به همگان پیشکش خواهد نمود^{۴۹}
 چیتنیه در این نیایش تصویری آرمانی را به تازه مریدان نشان می‌دهد. او با ستایش کریشنه و خرسندی از سهولت دسترسی همگان به پروردگار، این نیایش را آغاز می‌کند، این که انسان چگونه به راحتی می‌تواند از نام‌های پروردگار در طول زندگی اش بهره جوید و این کثرت در اسماء و صفات پروردگار، به این سبب است که هر فرد با توجه به خواسته‌اش از خواندن آن‌ها لذت برده و بهر مند می‌شود. رویه گوسوامی^{۵۰} در کتاب بهکتی رسامرتنه سیندهو^{۵۱} (۷۱-۶۰. ۲. ۱) معتقد است که در رحمت بهکتی به روی همه باز است. سخن او چنین است: "همه واجد شرایط بهکتی هستند"^{۵۲}. نام پروردگار، سایه‌ای است که

^{۴۶} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp.187-205.

^{۴۷} Sankirtana سرود و رقص گروهی همراه با ذکر اسماء و صفات مقدس پروردگار

^{۴۸} Ambrosia گیاهی که به عنوان غذای پروردگار نام برده شده است

^{۴۹} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

^{۵۰} Rupa Goswami از شاگردان و مریدان چی‌تنیه

^{۵۱} Bhakti- rasamrta-sindhu

^{۵۲} Sarvadhikarita

با خواندن آن تحت حمایت و عشق او قرار می‌گیریم، نام مقدس پروردگار، بی‌کرانه‌ای است که اگر کسی شکوه حقیقی آن را درک کند، بیش از پیش خواهان تغزل و نغمه سرایی با آن خواهد بود.^{۵۳} به عقیده‌ی چیتنیه، ادبیات ودایی حول محور کریشنه می‌گردد و کریشنه دلیل و هدف تمام فعالیت‌های انسانی و هسته مرکزی تعالیم قدیسان، به شمار می‌آید، ذکر نام او در خور ستایش و توجه بسیار است.^{۵۴}

پروردگار من، تو با مهربانی بی‌پایانت،

نام‌های بسیاری مانند کریشنه و گویندا را به ما آموخته‌ای،

تا با آن‌ها تو را بخوانیم و به یاد بیاوریم

تا با هر نامت، قدرت خویش را به ما نشان دهی

چه بزرگواری تو، هیچ قید و بندی برای سرودن نامت بر سر راهمان قرار ندادی

افسوس که با وجود آسان گرفتنت

من هنوز، در خواندن آن‌ها سهل انگاری می‌کنم.^{۵۵}

چیتنیه تاکید می‌کند همانگونه که یک باد بی‌رحمانه و بی‌ملاحظه درخت را تکان می‌دهد و آن درخت هراس میوه چینی و آسیب هرس شدن را تاب می‌آورد، ما نیز همانند یک درخت می‌بایست انعطاف‌پذیر و قوی باشیم و به ذات و جوهره وجودمان پایبند بمانیم. چنین صبر و تحملی برای یک روح کوچک در یک جهان بزرگ، بسیار ارزشمند است. چی‌تنیه در این نیایش بیان می‌کند که از طریق حس تواضع و فروتنی است که یک فرد مشتاق خواندن و ذکر نام مقدس پروردگار می‌شود. یک مومن فروتن می‌داند که کریشنه همه چیز است و در عین حال همچون خدمت‌گذاری فروتن برای ما سخن می‌گوید. وقتی به این نتیجه می‌رسیم که تمام موجودات زنده، بخشی از کریشنه هستند، پس می‌بایست به همه موجودات زنده خدمت کرد. چیتنیه معتقد است، اگر کسی نام مقدس پروردگار کریشنه را در ذهنش بخواند، بدون شک عشق خفته کریشنه در قلبش بیدار خواهد شد.

^{۵۳} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp.187-205.

Swami Prabhupada, A.C. Bhaktivedanta, *Sri Chaitanya Caritamrta*, Bhaktivedanta Book Trust, California, 1975, pp. 321, 322.

^{۵۵} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

روحانیون ویشنوئی به شاگردان خود هشدار می‌دهند که از خودپسندی و تمایل به ستایش شدن خودداری نمایند. در برخی منابع هندو خودپسندی را همچون بیری ماده^{۵۶} می‌دانند که تمام نیایش‌ها و عبادات مریدان را بلعیده و از بین می‌برد. بنابراین تمایل به احترام و ستایش شدن می‌تواند زندگی معنوی فرد را تحت تاثیر قرار داده و به آن آسیب زند^{۵۷}.

نام مقدس پروردگار را باید فروتنانه بر لب آورد

فروتن تر از یک ساقه‌ی تُرد چمن

و بردبارتر از یک درخت

عاری از میل به کسب هرگونه اعتبار

و سرشار از احترام به دیگران

در چنین حالتی ست که میتوان نام پروردگار را بر زبان آورد^{۵۸}

چیتنیه از خود گذشتگی و یکتایی و بی‌شریک بودن را منحصر به پروردگار می‌داند. در *بهاگوتم* (۱.۲.۶) اشاره شده است که "تنها وظیفه بزرگ انسان، بهکتی است. بهکتی حقیقی، فارغ از هر توقع^{۵۹} و جریانی پیوسته^{۶۰} است. چیتنیه تاکید می‌کند که برای رسیدن به کمال بهکتی، آگاهی و ذکر نام کریشنه ضروری است. او همچنین بیان می‌کند که هر کس به این حالت دست پیدا کند به هیچ چیز حتی مکشه^{۶۱} (آزادی از تکرار تولد و مرگ) نیازی نخواهد داشت و از همه امور دنیوی رهایی خواهد یافت^{۶۲}.

پروردگار مهربانم، در من هیچ علاقه‌ای به جمع آوری ثروت نیست،

همانگونه که زنان زیبا نیز در قلب من جایی ندارند،

^{۵۶} Bhagini

^{۵۷} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp.187-205.

^{۵۸} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

^{۵۹} Ahaituki

^{۶۰} Aparatihata

^{۶۱} Liberation

^{۶۲} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp. 187-205.

تعدد مریدان هم نمی‌تواند مرا راضی کند

من فقط خواهان بهکتی‌ام

خدمت‌گزاری عاشقانه و ابدی برای تو^{۶۳}

چیتنیه همواره خود را به عنوان خادم ابدی کریشنه می‌داند، که به طور موقت در دنیای مادی به سر می‌برد. عبادت‌های آئین بهکتی خاصه نیایش کردن، یکی از عبادات اصلی است که به بهکته یادآوری می‌کند که زندگی واقعی او در دنیای معنوی با کریشنه خواهد بود. پی بردن به ناتوانی و نیازمندی نوع بشر، باعث می‌شود تا انسان، خواهان رحمت کریشنه گردد و این را از صمیم قلب و عاشقانه از کریشنه درخواست کند، تا درهای رحمت ابدی به رویش باز شود. ما از چی‌تنیه می‌آموزیم که همانند یک ذره گرد و غبار با فروتنی و تواضع به پروردگار نزدیک شویم. در این نیایش عبارت «من چه کاری برای تو می‌توانم انجام دهم؟» یا «من چگونه می‌توانم به تو خدمت کنم؟» پرسشی قابل تأمل است. این پرسش به این نکته‌ی مهم و عاشقانه و متواضعانه اشاره دارد، برای کسی که به آن دلبسته‌ایم، باید قادر و آماده‌ی انجام هر کاری باشیم^{۶۴}.

ای پسر نانده! من خدمتگزار ابدی تو ام

در حالی‌که در اقیانوس تولد و مرگ در افتاده‌ام،

مرا از این اقیانوس مرگ نجات بده

و همچون کوچکترین ذره هستی

بر پای نیلوفری‌ات قرارم بده^{۶۵}

چیتنیه اینبار کریشنه را با نام گووینده^{۶۶} خطاب قرار می‌دهد و به عقیده‌ی وی، جدایی از کریشنه (ویراهنا)^{۶۷} برای فردی که در اقیانوس عشق پروردگار غرق گشته است، بسیار غیر قابل تحمل است^{۶۸}.

^{۶۳} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

^{۶۴} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp. 187-205.

^{۶۵} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

^{۶۶} کسی که مایه بهجت حواس و سعادت احساسات می‌شود.

آه گوینده، یک ثانیه جدا بودن از تو
گویی برای من دوازده سال بطول می‌انجامد
اشک مانند سیلاب از چشمان من جاری ست
و من در احساس جدا بودن از تو
در جهانی خالی از سکنه زندگی می‌کنم^{۶۹}

در آخرین نیایش، چ‌تنیه کاملاً در حال و هوای رادها^{۷۰} فرو رفته است. عشق به حد
کمال رسیده است. او می‌خواهد تا بدون هیچ قید و شرطی قلب کریشنه را از آن خود کند.
کریشنه باید به هر قیمتی که شده متعلق به او باشد. و او هر کاری می‌کند تا با او باشد، تا به
او خدمت کند، تا به او عشق بورزد. تملک جویی و انحصار طلبی در برابر معشوق در اینجا
کامل ظاهر می‌گردد. کریشنه تنها باید برای خودش باشد^{۷۱}.

تنها پروردگار من کریشنه است
او همیشه به بهترین شکل به من رسیدگی می‌کند
او از تمامی قید و بندها کاملاً آزاد است
پس او تنها پروردگار من است^{۷۲}

نشانه‌های عشق حقیقی در جان بهکته

^{۶۷} Virahena

^{۶۸} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp. 187-205.

^{۶۹} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

^{۷۰} یا رادهیکا، Radhika از مشهورترین همبازی‌های کریشنه در کودکی و از جمله دلدادگان دوره جوانی او در برینداین بود. در دین هندو، بازی میان رادها و کریشنه بن مایه محوری ویشنوی‌هایی است که طریقت عشق یا بهکتی آنان احساس انسانی عشق، تسلیم شدن به عشق (که رادها نماینده آن است) و تسلیم شدن به خداوند در سیمای کریشنه را بر می‌انگیزد.

Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp.187-205.

^{۷۲} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.

همین که عشق حقیقی در قلب انسان جوانه می‌زند، نشانه‌های ظاهری‌اش در جسم نمایان می‌شود. هشت نوع تغییرات جسمی با عنوان ستویکه^{۷۳} بهاوه‌ها^{۷۴} در جریان عاشق شدن برای فرد اتفاق می‌افتد. چیتنیه فقط سه مورد از آن‌ها را ذکر کرده است، که این سه مورد به عنوان نمونه ذکر شده‌اند. در جریان این عبارات، بهکته می‌آموزد که چگونه نیایش کند تا ناخودآگاه درگیر بهاوه‌ها^{۷۵} شود (احساسات معنوی بالاتر). مریدان این احساسات و عشق شدید را حس خواهند کرد و تغییرات و نشانه‌های جسمی آن را نیز بر روی بدنشان تجربه خواهند کرد.

"پروردگار من، چشمانم چه زمانی با اشک‌هایی عاشقانه

که به محض خواندن نام مقدس تو جاری می‌شوند

زینت داده خواهند شد؟

چه زمانی صدای من در گلو خفه می‌شود

و موهای بدنم به محض ذکر نام مقدس تو می‌ایستند؟"^{۷۶}

چیتنیه این تحولات ظاهری و روحی را برای تمامی مریدان عاشق گریزناپذیر می‌داند. همانگونه که در کتاب چیتنیه چریتیه ریتیه^{۷۷} (آنتیا ۹۶-۹۲. ۱۴) آمده: «تمام منافذ موجود در گوشت بدنش به جوشش درآمده و موهایش صاف ایستاده بودند و او مانند گل‌های کادامبا به نظر می‌رسید. خون و عرق بدنش به گونه‌ای به جریان درآمده بودند که نمی‌توانست حتی یک کلمه به زبان بیاورد و فقط صدایی غیر معمول از گلویش بیرون می‌آمد. چشمانش چنان از اشک لبریز بود، که گویی یک چشمش گنگ^{۷۸} است و چشم دیگرش یمونه^{۷۹}.

^{۷۳} Sattvika به احساسات ناب و خالص اطلاق می‌گردد. ستوه همان خوشی و یا لذت است. این لذت در

تماس با تمس یا بی تفاوتی به پلیدی می‌گراید و در تماس با رجس یا حزن به رنگ غم در می‌آید.

^{۷۴} Sattvika-bhavas به معنای احساسات معنوی و احساسات مبتنی بر ستوه است

^{۷۵} Bhava به معنای شور و جذبه و احساس است که در اشاره به هریک از پنج نوع نگرش یا احساس

پرستشگر عاشق یا بهکته نسبت به خدا به کار می‌رود

^{۷۶} Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa,

Bengal, 1939.

^{۷۷} Charita ritta

^{۷۸} Ganges رودخانه‌ای پر خروش و مقدس در هند

رنگ بدنش کاملاً پریده بود و جسمش همانند بادگیرها به هنگام وزش باد در حال لرزیدن بود. او به شدت تکان می‌خورد و ناگهان بر زمین افتاد. مشاهده این نشانه‌ها در جسم چی - تنیه، باعث شد که برادران گوسوامی تمام این نشانه‌ها را به عنوان تشنجات نزدیک شدن به کریشنه و تقرب به آگاهی پروردگار عنوان کنند. چیتنیه در کتاب هشت نیاپش، شگفتی خود را از این می‌داند که به محض جاری شدن نام پروردگار بر زبانش، چشمه‌ی چشم - هایش نیز جاری می‌شوند و زبانش به لکنت می‌افتد و تار موهایش از جا بلند می‌شوند، گویی که آن‌ها نیز نام پروردگار را به خوبی می‌شناسند.^{۸۰}

مراتب عشق

چیتنیه، چندگونه عشق را نسبت به پروردگار مطرح می‌کند؛ عشق لطیف و آرام نسبت به پروردگار را، شانتَه^{۸۱} می‌نامد. و نهادن قلب به پروردگار با پیروی و عبادت او را داسیه^{۸۲} یا روش بندگی می‌خواند و نگریستن به پروردگار به عنوان صمیمی‌ترین دوست را، یا "ساکهیه"^{۸۳} می‌نامد، که از نظر او از هر دو نگرش اول برتر است. نگریستن به پروردگار چونان عزیزترین معشوق یا عاشق یا عشق ورزیدن نسبت به او با عشقی زنانه، چونان زنی که به محبوب خود عشق می‌ورزد، از نظر او ژرف‌ترین، شیرین‌ترین و کامل‌ترین عشق است او این حالت را "مدهوره"^{۸۴} می‌نامد. بر اساس آنچه در افسانه‌ها آمده پروردگار کریشنه از دِوکی^{۸۵} و واسودوه^{۸۶} در زندان زاده شد. شاه کنسه^{۸۷} نگران از تولد کودکی بود

^{۷۹} Yamuna رودخانه‌ای مقدس که در یک انشعاب به گنگ مقدس می‌ریزد

^{۸۰} Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, 2017, pp.187-205.

^{۸۱} shanta

^{۸۲} dasya

^{۸۳} sakhya

^{۸۴} madhura

^{۸۵} Devaki در اساطیر هندو مادر کریشنه و همسر واسودوه است. گاه نیز تجسد آدیتی مادر خدایان

خورشیدی دانسته می‌شود

^{۸۶} Vasudeva پدر کریشنه در گیتا گاه کریشنه به این نام خوانده می‌شود.

^{۸۷} King kansa

که بنا بر پیشگویی‌ها در آینده نابودکننده‌ی او بود، مادرش دِوکی را حبس کرده بود. بعدها کریشنه به خانه رئیس گاوچران‌ها نانده^{۸۸} برده شد. او در آن‌جا بزرگ شد و دوستان او پسران گاوچران بودند که با آن‌ها خیلی صمیمی بود. در پی معجزات متعددی که او انجام داد، وی تجسم خدا شمرده شد. همسران بیشتر گاوچران‌ها، که در حقیقت جز تجسم زنانه نیروی پروردگار نبودند، به او دل بسته شدند و صمیمانه او را دوست داشتند. آن‌ها آن‌گاه که او بعدها برینداین^{۸۹} را که حوزه‌ی فعالیت‌های اولیه او بود، به قصد متهوره^{۹۰} که از آن‌جا فاصله داشت ترک کرد، از جدایی او بسیار رنج دیدند. زندگی اولیه کریشنه سه گونه عشق به او را از هم متمایز می‌سازد: عشق یَشودا^{۹۱} مادر رضاعی و همسر نانده رئیس گاوچرانان به او، عشق دوستان گاوچرانان به او و عشق دختران گاوچران به او به عنوان معشوق آن‌ها. از آن‌جا که کریشنه خدا دانسته می‌شد، این سه نوع عشق به کریشنه به گونه‌ای که در بخش دهم از بهاگوته پورانه توصیف شده است، به همراه دو گونه کهن دیگر عشق به پروردگار، یعنی عشق خاموش و آرام به پروردگار و عشق به پروردگار چونان بنده او، پنج گونه بنیادین عشق ورزی به پروردگار شمرده می‌شوند^{۹۲}. پرستشگر مخلص و عاشق پروردگار یا همان بهکته^{۹۳} چونان رود گنگ که به سوی دریا جاری است کششی فطری به سمت پروردگار دارد. بهکته را اشتیاقی برای حضور در یک جایگاه و در سطحی یکسان با پروردگار و خواهان نیل به دولت‌مندی و مهابت پروردگار نیست او را حتی آرزوی شباهت یافتن به پروردگار یا یکی شدن با وی در سر نیست. چراکه بهکته چنان در بهکتی یا همان طریقت عشق و اخلاص مجذوب شده است که چونان تاجری که در وقت تجارت به هیچ چیز به جز تجارتش فکر نمی‌کند غرق عشق و اخلاص نسبت به پروردگار خویش است و

^{۸۸} Nandha & Nandi یکی از بزرگ‌ترین پرستندگان شیوه که شکل گاونر یا فیلنر به خود گرفت.

^{۸۹} Brindaban نام شهری ست و در منابع از آن بعنوان حوزه فعالیت‌های اولیه کریشنه نام برده شده است.

^{۹۰} Mathura شهری باستانی در سمت راست یمونه که امروزه اوترپرادش خوانده می‌شود در شمال هند است.

^{۹۱} Yashoda دایه کریشنه است که او را در کودکی از دیوان حفظ کرد. در افسانه‌های ودایی محافظ کودکان شمرده شده است.

^{۹۲} داسگوپتا، سورندراناته، سیر تحول عرفان هندی، مترجم ابوالفضل محمودی، ص ۱۱۳-۱۱۵.

^{۹۳} Bhakta

به چیزی جز او نمی‌اندیشد. تنها اینگونه است که بهکته بر مایا^{۹۴} پیروز شده و از عشق خالص نسبت به پروردگار لذت می‌برد. بنابراین تعریف، تا زمانی که فرد میل به جهان مادی و نجات را، که دو جادوگر طمع برانگیز نامیده می‌شوند، در وجود خود داشته باشد از طعم گوارای بهکتی نصیبی نخواهد داشت. نیل به بهکتی و سپس مراقبت و تثبیت آن در قلب و ذهن بهکته دارای مراتبی است؛ مرحله‌ی تربیت مبتدی؛ درک عشق و اخلاص توسط وی و مرحله‌ی برتر یعنی دستیابی به عشق و اخلاص برای نیل به بهکتی. ^{۹۵} نه روش دیگر برای مراقبت و تثبیت بهکتی در جان و ذهن شخص نظیر شنیدن و مناجات کردن و یادآوری کردن به خود ... نیز وجود دارد. اما در مرحله‌ی دستیابی به عشق و اخلاص یعنی بهکته شدن احساساتی چون عشق متعالی^{۹۵} (راگه) احساس متعالی^{۹۶} (آنوراگه) وجد متعالی^{۹۷} (بهاوه) و نهایتاً دل‌بستگی شدید متعالی^{۹۸} (مهابهاوه) دیده می‌شود. اما زمانی که شخص در مقام متعالی شدن قرار می‌گیرد، به این مرحله ثبات^{۹۹} گفته می‌شود. در این عواطف و احساسات وی تثبیت شده است و هیچ ترسی از پایین افتادن از این مقام ندارد. به این مرحله، ستهایی-بهاوه^{۱۰۰} گویند. اما گام‌های بعدی ویبهاوه^{۱۰۱}، انوبهاوه^{۱۰۲}، و ویابهاوه جاری^{۱۰۴} گفته می‌شود. درست زمانی که این چهار گام توسط بهکته به جلو

^{۹۴} حکیمان هندو می‌گویند خدایان بی‌شمار همه مظاهر یک خدای واحدند و تمام موجودات بخشهایی از کالبد عظیم الوهیت به شمار می‌روند. از دیدگاه آنان این جهان و همه اجزای آن در حقیقت خیالی بیش نیست. این خیال را ما یا (Maya) یعنی وهم، می‌نامند. به عقیده آنان تمام این صورتهای وهمی سرانجام نابود می‌شوند و تنها برهما که ثابت و پایدار است، باقی می‌ماند.

^{۹۵} Raga

^{۹۶} Anuraga

^{۹۷} Bhava

^{۹۸} Mahabhava

^{۹۹} Steady

^{۱۰۰} Sthayi-bhava

^{۱۰۱} Vibhava

^{۱۰۲} Anubhava

^{۱۰۳} Satwik

^{۱۰۴} Vyabhachary

برداشته شد به مرحله تبادل رسه^{۱۰۵} یا عطر و طعم متعالی خواهد رسید. این تبادل عاشقانه و متقابل که عموماً میان کریشنه و بهکته اتفاق می‌افتد. کریشنه بهکتی رسه^{۱۰۶}، یعنی طعم احساس عاشقانه و متقابل میان بهکته و پروردگار نامیده می‌شود^{۱۰۷}.

نشانه‌های وجد و جذبه^{۱۰۸} در بهکته

حقیقت وجد و جذبه بهکته نسبت به پروردگار، در سرود آتمارمه^{۱۰۹} در کتاب شریمد بهگوت^{۱۱۰} اینگونه دسته بندی می‌شود: بالاترین مرحله وجد به سیزده فعالیت متعالی منتهی می‌شود: ۱- رقص، ۲- چرخیدن روی زمین، ۳- آواز خواندن، ۴- دست زدن، ۵- آمادگی جسمی برای مبارزه ۶- صدای رعد در آوردن، ۷- خمیازه کشیدن، ۸- به شماره افتادن نفس - فراموش کردن دوستی‌ها و پیمان‌های اجتماعی، ۱۰- پرتاب کردن بزاق دهان، ۱۱- خندیدن، ۱۲- سردرد، ۱۳- سرفه کردن. این سیزده علامت همزمان و در یک زمان بروز نمی‌کنند، آن‌ها براساس احساس تبادل عاشقانه و متقابل عطر و طعم متعالی میان کریشنه و بهکته بروز می‌کنند. بعضی مواقع یک نشانه و در زمانی دیگر، نشانه‌ای دیگر خود را نشان می‌دهد^{۱۱۱}. این تقابل عاشقانه‌ی عطر و طعم میان عاشق و معشوق دارای مراتب و مراحل پنجگانه است: افرادی که از امیال مادی پاک‌اند اما هنوز نمی‌توان برای آنان نام بهکته را

^{۱۰۵} Rasa بهجت و شادی زاید الوصف سالک

^{۱۰۶} Krishna-bhaki-rasa

^{۱۰۷} Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895, pp50-64.

^{۱۰۸} Rasa خوشی و بهجت عمیق سالک

^{۱۰۹} Atmarama

^{۱۱۰} Srimad Bhagwatam

^{۱۱۱} Śrīla Thakura Bhaktivinoda, Swami, Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895. pp50-64.

اطلاق کرد، در اولین مرحله از سلوک یعنی شانته رتی^{۱۱۲} قرار دارند. دومین مرحله قدردانی از پروردگار به خاطر وابسته نگه داشتن وی به رحمت بی دریغ خود است و در این مرحله میل به عبادت عاشقانه در فرد موج می‌زند و آن داسیه رتی^{۱۱۳} نام دارد. مرحله‌ی بعدی ساکھیّه رتی^{۱۱۴} است که شخص در عین رعایت احترام به پروردگار جایگاه مادی خود را فراموش کرده و وارد اخوت یا برادری از طریق خندیدن و شوخی کردن با پروردگار می‌شود. مرحله‌ی بعدی ورود به جایگاه محبت فرزندی است که واتسلیه رتی^{۱۱۵} نام دارد که تداعی گر حس والدین به فرزندان است. اما مرحله‌ی نهایی مدهوریّه یا عشق‌ورزی متقابل به شکل پیوند ازدواج میان عاشق و معشوق است. در این مرحله نگاه-های عاشقانه حرکات ابروها و بیان کلمات عاشقانه و خوشایند و خندیدن میان آن دو اتفاق می‌افتد. علاوه بر این پنج مرحله هفت عمل متقابل ثانویه ممکن است در طی این مراحل بطور همزمان رخ دهد که شامل: وجد و شهود و اخوت و نازکدلی و خشم و هراس و فنا می‌باشد. به طور مثال بهیشمه^{۱۱۷} با کریشنه عطر و طعم متعالی اخوت و هیرانیّه کاسیپو^{۱۱۸} تبادللی از هراس و فنا را تجربه کرده است. پنج رسّه^{۱۱۹} اولیه در قلب و جان بهکته پایدارند اما هفت مورد ثانویه گاه به گاه ظاهر می‌گردند. احساس تعلق و وابستگی نسبت به کریشنه

^{۱۱۲} Shanta rati سلم و آرامش درونی نوعی صلح و آرامش که در آن انسان خود را به خداوند نزدیک می‌بیند بدون آنکه گونه خاصی از ارتباط با او را برگزیده باشد. یکی از پنج بهاوه که بهکته در پیوند با خدایش بر می‌گزیند.

^{۱۱۳} Dasya rati رتی در لغت به معنای خوشی و لذت به طور عام است. اما معمولاً در مورد اذات جسمی و جنسی به کار می‌رود. همچنین نامی است برای خدایانوی عشق که دختر پرجاپتی پنداشته می‌شود و مهم-ترین یار و همراه کامه خدای عشق است.

^{۱۱۴} Sakhya rati

^{۱۱۵} Vatsalya rati

^{۱۱۶} Madhurya rati

^{۱۱۷} Bhishma او هشتمین پسر کورو پادشاه شانتانو در کتاب مهابهاراته است.

^{۱۱۸} Hiranya Kasipu در روزگاران قدیم اهریمن قدرتمندی که پادشاه ظالم آسورا (هیران یاکشان) بود به دست ویشنو کشته شد. جای او را برادرش (هیرانیه کاسیپو) گرفت که از او هم ظالم‌تر و قدرتمندتر و روئین‌تن بود. او پرستش ویشنو را ممنوع کرد و سزای آن را مرگ قرار داد

^{۱۱۹} Rasa شادی و بهجت غیر قابل وصف سالک

نیز بر دو گونه است؛ نخست وابستگی همراه با احساس ترس و دیگری وابستگی همراه با ستایش پروردگار است. واسودوه^{۱۲۰} و دوکی^{۱۲۱} پس از درک موجودیت پروردگار کریشنه شروع به دعا و نیایش برای وی کردند؛ همچنین ارگونه در بهگود گیتا خطاب به کریشنه می‌گوید: کریشنه‌ی عزیز من؛ من گاهی اوقات در پیشگاه شما ادب را رعایت نکردم و شما را دوست عزیز خویش خواندم؛ بدون اینکه عظمت و قدرت شما را درک کرده باشم. مرا ببخشید که شما را همانند یک دوست یا فردی عادی خطاب کردم^{۱۲۲}.

آفات بهکتی

وقتی گیاه بهکتی در جان بهکته رشد می‌کند، میوه و ثمره‌ی آن، عشق و دلدادگی نسبت به پروردگار است. بهکته یا باغبان بذر عشق پروردگار، این گیاه را با نیایش و مناجات آبیاری می‌کند. چی‌تنیه معتقد است که وقتی گیاه بهکتی رشد می‌کند، ممکن است به طرق گوناگون، در معرض آسیب قرار گیرد، بنابراین بهکته‌ی محتاط از آسیب دیدن این گیاه جلوگیری می‌کند. آسیب، از دیدگاه چی‌تنیه، گناهایی هستند که سالک راه کریشنه، ویشنوه-آپارادها^{۱۲۳} مرتکب می‌شود. این گناه در مواجهه با سالک، به فیل وحشی تشبیه شده است. هنگامی که یک فیل وحشی وارد باغی می‌شود، خسارت‌های زیادی به گیاهان و درختان وارد می‌کند. بنابراین در حال رشد و هدایت معنوی نیز، اگر سالک هر گناهی مرتکب شود، موجب ویرانی گیاه بهکتی می‌شود. بنابراین بهکته باید از این گیاه مراقبت کند، و مرتکب هیچ گناهی نشود. گناهان دهگانه‌ای که سالک بهکتی را مبتلا می‌کنند، عبارتند از: توهین کردن به سالکان راه کریشنه، انکار بر حق بودن ویشنو، عادی پنداشتن شخصیت استادان راه

^{۱۲۰} Vasudeva پدر کریشنه در گیتا گاه کریشنه به این نام خوانده می‌شود.

^{۱۲۱} Devaki در اساطیر هندو مادر کریشنه و همسر واسودوه است. گاه نیز تجسد آدیتی مادر خدایان

خورشیدی دانسته می‌شود.

^{۱۲۲} Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895, pp.50-64.

^{۱۲۳} Vaishnava-aparadha

کریشنه، اهانت به ادبیات ودایی و تفاسیر آن پورانه‌ها.^{۱۲۴} و اغراق آمیز پنداشتن و بی توجهی به نام کریشنه و نیایش کردن بدون خلوص قلب و برابر دانستن ریاضت و قربانی با ذکر نام کریشنه و دیگر گناه بیان شکوه نام پروردگار برای یک انسان بی ایمان و آخرین گناه، در ارتباط ماندن با مادیات است. با ذکر نام پروردگار می‌توان تا مقام رهایی بالا رفت. و این آزادی و رهایی به معنای رها شدن از تمامی وابستگی‌های مادی است، پس اگر یک ذاکر نام پروردگار، وابستگی مادی‌ای داشته باشد، مرتکب گناه شده است. زمانی که گیاه بهکتی در حال رشد است، هنوز امکان آسیب دیگری نیز وجود دارد. همزمان با رشد گیاه بهکتی، گیاه دیگری نیز رشد می‌کند. و آن گیاه تمایلات مادی است. بنابراین اگر سالکی با تعدادی بسیار از مریدان و پیشنهادهای مادی روبرو شود و از آن‌ها استقبال کند، وظیفه‌اش را به عنوان یک سالک بهکتی فراموش کرده، و این آسیب دیگری است که به رشد گیاه بهکتی وارد می‌کند. آسیب دیگر، آرزوی آزاد بودن و آسیب دیگر نیز غافل شدن سالک، از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها در این راه است. ممنوعیت‌هایی که برای سالک در متون مقدس ذکر شده‌اند شامل: دوری جستن از رابطه‌ی جنسی نامشروع، شراب خواری، پرخوری^{۱۲۵} و شرط‌بندی است. و اگر سالک از این قوانین پیروی نکند، آسیب‌های جدی به گیاه بهکتی وارد می‌کند. عامل آسیب زنده‌ی دیگری که وجود دارد، شهرت طلبی است. اگر سالک، در حین رشد گیاه بهکتی، به طور جدی گیاه‌های غیرضروری دیگر را که ممکن است رشد کرده و مانع رشد بهکتی شوند، هرس نکند، ممکن است که با همزمان با رشد گیاه بهکتی این گیاهان اغواکننده نیز رشد کنند و سالک، آفات گیاه بهکتی را نبیند. این وظیفه‌ی هر سالک تازه کاری است که تمام گیاهان غیر لازم را از بین ببرد، چرا که گیاه اصلی باشکوه و ریشه‌ای مستحکم رشد کرده و به هدف نهایی که همان بهکتی است، می‌رسد، هنگامی که انسان در چنین فرآیندی شرکت می‌کند، میوه‌ی عشق پروردگار را می‌چشد، و او تمامی فعالیت‌های دینی و مالی و اخلاقی را جز میل یکی شدن با پروردگار فراموش می‌کند. انجام مراسم قربانی که در وداها توصیه شده است و انجام ریاضت و تمرین یوگا، مراحل مختلف دانش معنوی و سعادت متعالی است. اما این تلاش‌ها تنها تا زمانی سالک را به عشق

^{۱۲۴} Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895, pp50-64.

^{۱۲۵} به غیر از غذای پیشکش شده به کریشنه، (Prasadam)

پروردگار نزدیک می‌سازند که شروع به سیر صعودی نکرده است. به طور مثال، وقتی شخصی توسط یک مار گزیده می‌شود تا زمانی که داروی خاصی را نبوید، بیهوش می‌ماند. اما لحظه‌ای که شخص گزیده شده آن داروی خاص را می‌بوید، بلافاصله به هوش می‌آید. با چشیدن عشق پروردگار و با انجام بهکتی صرف، سالک می‌تواند از سم سکوت جان سالم بدر آورد. اما این بهکتی همان ارتباط خالص با عشق پروردگار است که هدفی جز شناخت بیشتر نسبت به کریشنه نمی‌تواند داشته باشد. ابتدا سالک آگاهی و شناخت کریشنه را با مناجات نام پروردگار آغاز می‌کند و سپس به نیازهای ضروری و اولیه جسمی خویش می‌پردازد. بهکتی خالص به معنی آن است که تمامی حواس مان، در خدمت پروردگار باشند. درست است که حواس به جسم تعلق دارند اما اگر حواس ما، تحت سلطه جسم باشند، سالک نخواهد توانست به آگاهی و شناخت نسبت به کریشنه دست یابد. حواس سالک نخست باید پاکیزه شوند و او باید ایمان داشته باشد که به کریشنه تعلق دارد، زندگی‌اش و هویتش در خدمت جاودانه به کریشنه تعلق دارد و در این حالات اگر سالک تمامی حواسش را به خدمت عشق پروردگار بگمارد، به آن بهکتی خالص گفته می‌شود^{۱۲۶}.

نتیجه

دو عامل بزرگ تاثیرگذار بر دین هندو در شمال هند در اواخر سده‌های میانه یکی اسلام و دیگری جنبش بهکتی است^{۱۲۷}. طریقت بهکتی عمدتاً مناسب کسانی است که نه چندان دلبسته‌ی امیال حسی‌اند و نه چندان گسسته از آن. این نوع بهکتی با آموزه‌ی پرپتی^{۱۲۸} یا

^{۱۲۶} Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895, pp50-64.

^{۱۲۷} شاتوک، سی بل، دین هندو، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، ص ۷۸ و ۸۱

^{۱۲۸} Prapatti به معنای پناه جستن است. راهی است برای رهایی که در بین ویشنوی‌های پیرو رامانوجه از اهمیت فراوان برخوردار است. تاکید اصلی این طریقت بر تسلیم بی قید و شرط خود به خداوند در کمال اضطراب و استیصال است. به نظر می‌رسد که رامانوجه این شیوه را که نزدیک به شیوه بهکتی است عمدتاً برای طبقه فرودست هندو که امکان تحصیل و مطالعه متون دینی و عمل کامل به آنها را ندارند مطرح کرده است. این راه متأثر از روش صوفیان مسلمان است و گاه در نزد پیروان او از بهکتی نیز برتر دانسته شده است.

جستن به پروردگار با ایمان قوی و با اعتقاد راسخ به اینکه تنها خدا و فقط خداست که می‌تواند انسان را در رسیدن به هدفش یاری کند، همراه است. بهکتی‌ای که در بهگود گیتا ستایش شده است، آن عشق و پرستشی است که بدون هیچ انگیزه‌ای مستقیماً از دل عاشق سرچشمه می‌گیرد و از هیچ علت دیگری ناشی نمی‌شود. بهکته راستین، پروردگار را به خاطر آنچه از او درخواست می‌کند دوست ندارد، بلکه او را بی‌قید و شرط و خودانگیخته دوست دارد. این نوع بهکتی را که در بهگودگیتا بدان پرداخته شده است، به خوبی می‌توان در زندگی چیتنیه یافت. بر حسب اعتقاد چی‌تنیه عشق به پروردگار دارای مراتبی است، از جمله، عشق لطیف و آرام نسبت به پروردگار، شانتیه^{۱۲۹} و وانهادن قلب به پروردگار با پیروی و عبادت او، داسیه^{۱۳۰} و نگرستن به پروردگار به عنوان صمیمی‌ترین دوست ساکھیه^{۱۳۱} و عشق ورزیدن نسبت به پروردگار با عشقی زنانه که جزو ژرف‌ترین و کامل‌ترین عشق‌ها است، مدهوره^{۱۳۲} نام دارد. عشق به کریشنه جذاب‌ترین جنبه‌ی زندگی چی - تنیه بوده و با وجود آنکه او همه روش‌های گوناگون عشق به پروردگار را ارزیابی کرد، عشق شیرین به کریشنه چونان یک معشوق یا همسر، مهم‌ترین جنبه زندگی او بود. در تعالیم چیتنیه، پروردگار خودش مهارکننده همه ما است و در عشق ازلی خود، پیوسته ما را جذب می‌کند و به بالا به سوی کمال بیشتر و بیشتر می‌کشد^{۱۳۳}.

منابع

داسگوپتا، سورندراناته، سیر تحول عرفان هندی، مترجم ابوالفضل محمودی، نشر سمت، ۱۳۹۴.

رادا کریشنان، سروپالی، تاریخ فلسفه شرق و غرب، ترجمه خسرو جهان‌داری، چاپ دوم، ج: ۱، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.

شاتوک، سی بل، دین هندو، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۱.

^{۱۲۹} Shanta

^{۱۳۰} Dasya

^{۱۳۱} Sakhya

^{۱۳۲} Madhura

^{۱۳۳} داسگوپتا، سورندراناته، سیر تحول عرفان هندی، مترجم ابوالفضل محمودی، ۱۰۹-۱۱۷.

مجتبائی، فتح الله، پیوندهای فرهنگی ایران و هند در دوره اسلامی، ترجمه ابوالفضل محمودی، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۹.

Bhaktivinoda, Śrīla Thakura, Swami, A.C., *BhaktiVedanta: Teachings of Lord Chaitanya*, Calcutta India, 1895.

Bhandanrkar, R.G., *Vaiṣṇavism, Śaivism and Minor Religious Systems*, Strassburg, 1913.

Bhattachatya. N., *Medieval Bhakti Movements in India*, New Delhi: Mushiram Publishets, 1999.

Chatterjee, A.N, *Sri Chaitanya and His Sect*, Proceedings of the Indian History Congress, Vol. 41, 1980.

Cunningham, John M, "Chaitanya Movement", *Encyclopaedia Britannica*, Jun, 2010.

Dasgupta. S., *A History of Indian Philosophy*, vol 2.3.4.5. Cambridge: Motillal Banatsidass Publishers, vol.4, 1970.

Mukherjee, Prasenjit, *Indian Literature*, Vol.22, No.1, OriasLiterature (January-February 1979).

Prentiss, Karen Pechilis, *The Embodiment of Bhakti*, Oxford, Oxford University Press, 1999.

Sarabhai, Mrinalini, *An Affirmation of Wholeness Krishna Ghaitanya*, India International Centre, 1986.

Śrīla Thakura Bhaktivinoda, *Sri Chaitanya Mahaprabhu His Life and Precepts*, Published by Gaudiya Press, 1987.

Steven j. Rosen, *Sri Chaitanya's Life and Teachings the Golden Avatara of Divine*, Lexington Books, 2017.

Swami Prabhupada, A.C. Bhaktivedanta, *Sri Chaitanya Caritamrta*, Bhaktivedanta Book Trust, California, 1975.

The Bhagavad Gita, Translated by S. Radhakrishnan, NewDelhi, USB Publishers, 1977.

Tridandibhiksu, *Bhakti Pradipa Tirtha, Sri Chaitanya Mahaprabhu*, Aloa, Bengal, 1939.